



سپهر حاجی پور با آنکه برای بار دوم حکم دیپورتش لغو شده هنوز در زندان است

موجود بعد از لغو حکم اخراج، جهت آزادی از زندان، پناهجو می بایست ضامنی را برای خود معرفی کند، که در صورت تصویب مجدد حکم اخراج، مجبور گردد به فرودگاه آمده و گرنه وجه ضمانت ضامن او از بین خواهد رفت.

تعیین این وجه به تشخیص قاضی اداره مهاجرت بوده و هیچگونه ربطی به پناهجو نداشته و در رابطه با میزان دارائی ضامن میباشد. از این رو یکی از اشخاص خیر و سرشناس کامونیتی ما با اینکه با سپهر و خانواده اش هیچگونه آشنائی قبلی نداشته، فقط جهت همکاری با آنان حاضر می گردد تا مبلغ ده هزار دلار پول نقد ضمانت کند که قاضی مربوطه در قیاس با دارائی این شخص این مبلغ را کافی نمیداند. یک خانم غیر ایرانی این مبلغ را به بیست هزار دلار ارتقا ع میدهد که آن هم رد میشود.

جالب توجه آنست که افسران اداره مهاجرت هر چهار مورد از شش موردی را که ما در سال گذشته با آنها برخورد داشته و از آنها حمایت کرده ایم به عنوان فلایت ریسک تشخیص داده اند.

آنان را از برای مدت دو هفته تا نود روز در زندان نگاهداشته و وجوه ضمانت از 5000 دلار تا 90.000 دلار را تعیین کرده بودند و خوشبختانه هر چهار مورد موفق می گردند که در کانادا باقی بمانند. جای بسی تأسف است که کسی نیست تا جوابگوی این روزهای بیهوده در زندان بسر رفته این عزیزان باشد.

سپهر، بی گناهی میباشد که چون تا به حال نتوانسته ضامنی را که مورد تأیید اداره مهاجرت باشد پیدا کند، هفتاد و هشتمین روز خود را در زندان بسر می برد و مسئولین حتی قبول نکرده اند که او را از قسمت مجرمین کیفری به قسمت



پناهجویان منتقل کنند.

دوشنبه گذشته که مصادف با روز خانواده بود، عده ای از دوستان و فعالین حقوق بشر خانواده سپهر را تنها نگذاشته و بار دیگر در مقابل محل نگاهداری سپهر جمع شده و به این نوع تبعیضات و بی عدالتی ها اعتراض نمودند. با این حرکت به اثبات رساندند که زمانی که مو ضوعی در رابطه با حقوق بشر پیش می آید ما همه اعضا یک خانواده هستیم.

مهدی شمس - www.nodeportationstoiran.org
-www.helpsepehr.ca

او قربانی این تغییرات بوده و در حال تجربه کردن آن با پوست و گوشت و استخوان خود میباشد. سپهر هم مانند همه ما صبرش از بی عدالتی ها در ایران به تنگ آمده و بهر طریق که از برایش امکان داشت خود را به کشوری میرساند که می پنداشت محل پایان درد هایش خواهد بود.



ولی افسوس که ابر سیاهی که بالای سرش قرار داشت او را ترک نکرده و به همراهش به این سرزمین میاید. انگاری آنچه را که سپهر از ترس آن از ایران گریخته بود در کانادا در انتظارش نشسته است. تحقیر، اهانت، در بند شدن با مجرمین کیفری، تحت آزار آنان قرار گرفتن بدون آنکه مامورین تمایلی جهت جلوگیری از آنرا داشته باشند، شکنجه های روحی و روانی، عدم دسترسی به دارو های مصرفی خود برای بیش از پنجاه روز قسمتی از سختی های میباشند که او با آن در گیر میباشد. شاید این سختی ها در مقایسه با آنچه که هر روزه بر سر مردم درایران می آید ناچیز بنماید ولی دلیل آن نمی گردد که از آنها چشم ببوشیم و یا با آنها به سطحی بر خورد کنیم. بخصوص برای ما درد کشیده ها که کوچکترین تبعیضی میتواند فریادمان را به آسمان بلند کند.

قرار بر آن بود که سپهر برای دومین بار در تاریخ 8 فوریه از کانادا اخراج گردد که بار دیگر به همت خاله و دوفرنش که تنها اعضا خانواده سپهر در کانادا می باشند، با دلسوزی و کوشش فراوان پانته آ جعفری وکیل سپهر، تلاشهای بسیاری از حامیان حقوق بشر و تعداد معدودی از ایرانیانی که در سیاست دست داشته و یا با دولت در رابطه میباشند، خوشبختانه این حکم در تاریخ چهارشنبه 6 فوریه دوباره لغو شد.

متأسفانه درد و رنج سپهر به اینجا خاتمه نمی یابد و در گیر مرحله بعدی میگردد که فقط ناشی از بوروکراسی و عوارض جانبی سیستمی می باشد که مسئولین به جای حمایت و همدلی با مردم، سعی در حفاظت از خود در مقابل موارد احتمالی می کنند که شاید هیچ زمانی بوقوع نپیوندند.

افسر اداره مهاجرت که حکم دیپورت سپهر را در تاریخ 6 دسامبر به او ابلاغ میکند، برای رفع مسئولیت و حفاظت خویش او را " فلایت ریسک" تشخیص میدهد. به آن معنی که امکان آن هست که در زمان تعیین شده جهت اخراج، سپهر در فرودگاه حاضر نشود.

از این رو حکم زندانی شدن او صادر می گردد. طبق قوانین

با اینکه از کشوری گریخته ایم که در آن استبداد، ظلم، تبعیض و بی عدالتی بیداد میکند و به کشوری آمده ایم که در جهان سردمدار عدالت، حقوق بشر و آزادی میباشد باز هم می بینیم که باید فریاد زده و برای حمایت از آنی که تحت ظلم قرار گرفته داد و بیداد کنیم. چه ما آن مار گزیدگانی هستیم که خود را مسئول نیش و زهر خوردن خود میدانیم. چه اگر در همان قدم اول پای ظالم را شکسته بودیم این چنین هیولائی نمیشد که هتک حرمت کرده، به ناموس و مال و جانمان تجاوز کند و راهی جز از خانه و وطن گریختن و یا آه کشیدن و با درد ساختن بر ایمان باقی نگذارد. از این رو میباشد که وقتی می بینیم هم وطنی را میخواهند مجبور به بازگشت به آن جهنم کنند به پا بر می خیزیم و وظیفه خود میدانیم تا جای امکان از او حمایت کنیم. آن زمان است که در می یابیم که در کانادا نیز با وجود تمام زیبایی های مادی و معنوی اش چه نقصان هائی از نظر حقوقی و انسانی وجود دارد.

برای آنهایی که مدت مدیدی در کانادا اقامت داشته اند، جای شک و تردیدی نیست که این کشور نیز از نظر ارزش های معنوی و انسانی تحت تاثیر تغییرات جهانی قرار گرفته و در حال از دست دادن آن کیفیت هائی میباشد که سابق بر این آن را از دیگر کشورهای جهان متمایز و برتر میساخت. تغییرات وسیع در قوانین مهاجرت و پناهجویی و جهتی را که این تغییرات دنبال میکنند از آن جمله می باشند. اگر در آن زمانی که ما به این کشور آمدیم این قوانین حاکم بود، شاید بسیاری از ما نمیتوانستیم در کانادا سکونت داشته باشیم. درست است که شرایط اجتماعی و اقتصادی تغییر کرده اند ولی ارزش های انسانی نباید تحت تاثیر این تغییرات قرار گرفته و آنها هم تغییر کنند. در می یابیم که آنچه دولت ها به عنوان انسانیت، دفاع و حمایت از حقوق انسانها عنوان میکنند پوشش رنگینی بیش نیست که در زمانهای مختلف بسته به نیاز های سیاسی و اقتصادی به عناوین مختلف رنگ و روی خود را باخته و شکل دیگری بخود میگیرند.

سپهر حاجی پور، پناهجویی می باشد که از تاریخ 6 دسامبر 2012، روزی که حکم رد تقاضای پناهجویی اش به او ابلاغ شده در زندان به سر میرسد.

